

این روزنامه هر ماه یک بار
در ۱۶ صفحه در برلین
نشر میشود.

عنوان مراسلات:
Rédaction „Kaveh“
Berlin-Charlottenbourg
Leibnizstraße 64

آدرس تلگرافی:
Rouznakaveh Berlin
کفک است



قیمت اشتراک

سالانه
در آلمان... ۱۰۰ مارک ۶۰ مارک
ششماه
در ایران و یک لیره انگلیسی ۱۲ شیلینگ
سایر ممالک

قیمت هر شماره برای تک فروشی
در ایران پنج قران است

قره دسامبر ماه فرنگی
۱۲۹۱ میلادی
No. 12 Jahrg. 2
Neue Folge

کَاوَه
۱۳۲۶

۲۳ تیر ماه قدیم
۱۲۹۰ بزرگدوی
قره ربیع الثانی
سنه ۱۳۴۰

اصلاحات اساسی و اصلاحات فوری

با این شماره سال دوم کاه « دوره جدید » تمام میشود و مداومت در انتشار آن در سال سوم بسته بمجوابهای تلگرافی یا کتبی است که از وکلای کاهه راجع بعمده طالبین اشتراک برسد که چنانکه در شماره ۹ و ۱۰ تفصیلاً بیان شده مداومت وقتی امکان خواهد داشت که عمده طالبین بدو هزار نفر برسد.

بنا بر این در این شماره ما آنچه حرف مهم داریم میزنیم یعنی آنچه را که برای ترقی و تمدن و اصلاح اساسی مملکت ایران اُس اساس میدانیم بقدریکه عقلمان میرسد بیان میکنیم تا اگر پسندیده اهل معرفت در ایران شد بر لوح خاطر خود و اگر نشد بر سنگ قبر گویندگان نقش یا در دفتر تاریخ زندگی آنان و فهرست تاریخی پیشنهادهای اصلاحات ایران ثبت نمایند.

همه مردم ایران حالا قبول دارند که ترتیب جاری ایران چه سیاسی و چه اجتماعی دارای معایب است و ایران دور و تسلسل از ملل متمدنه دنیا عقب مانده و نواقص لازم الاصلاحی دارد که باید در رفع آنها کوشید و آنان هم که فی حد ذاته نفسی را بر ایران نمیخواهند قبول کنند در مقابل بداهت انکار ناپذیر ضعف ایران و قوت دول اروپا ناچارند تصدیق کنند که اگر هم اخذ اصول تازه و تغییر ترتیب کهنه بخودی خود لزومی ندارد و تبدیل آنها موجب تأسف است لکن محض جلوگیری از تسلط خارجه یا « کفار » و بیم زوال استقلال ملی یا اسلامی مجبوریم از بابت دفع افسد فاسد از بعضی ترتیبات خودمانی گذشت کرده و رسوم نوی در مملکتداری یا زندگانی ملی بپذیریم. پس بهرحال وجود نواقص سیاسی یا اجتماعی و مدنی اجتماعی است ولی تعیین آنها و بیشتر از همه درجه اهمیت آنها اختلافی است و جان مطلب هم سرشته یا دور و تسلسل

در همین جا است. یک انبوهی از معایب در کار ما است که باید در اصلاح آنها کوشیده شود ولی بلاشک این نواقص از حیث تأثیر آنها در زندگی اجتماعی ملت و ترقی و تمدن مراتب مختلفه دارد و حتی بعضی نتیجه دیگری است بطوریکه اگر اصل خرابی و مایه فساد رفع شود فرع یا فروع نیز بخودی خود اصلاح میشود پس اگر این اصل یا اصول و مبادی آفات و علل اجتماعی پیدا شود و تعیین آنها نیز اجاعی باشد دیگر هیچ معطلی در کار نخواهد بود جز میل باصلاح و عزم و همت بدان. لکن کی میتواند ادعا کند که این اصل الاصول مفاسد و علته العلل نواقص را پیدا کرده و کدام طیب حافق اجتماعی و حکم دانا است که انگشت روی ماده بگذارد و بگوید سرچشمه فساد و منشأ خرابی اینست. بازحمت اصلاح طلبان کم شود و همه بچسبند باصلاح همان ماده اصلی. بیرون آمدن از این دالان بیچا بیچ طلسمی نگین سلمان را لازم دارد و مارا ادعای حکمت جاماسب یا فرزانیکی هوشنگ نیست لکن یقین است که سعی متفکرین و داناان و جویندگان حقیقت و حکمت باید در این راه صرف شود که سر این رشته دور و تسلسل را پیدا کنند و عقلاهی قوم مبتلا بافات و نواقص در آن عقیده اجماع و اتحاد نظر داشته باشند. در آنصورت قوای متفرقه که بواسطه اختلاف نظر و اجتهاد در سر انحطاط در خطوط متبشته یا نقیض هم کار میکنند در یک خط میافتند و این قوه قلیل افراد معدود اصلاحیون بهدر میروند و نتیجهای از آن حاصل میشود. پس باید سعی کرد و سر رشته را پیدا نمود که صد نفر خیر خواه عاقل — اگر از بمیور تا ماکو و از محترمه تا قوچان این عمده وجود داشته باشد — در اصلاح یک یا پنج اصل که اس اساس معایب است صرف قوا و اوقات کنند نه آنکه قوای چند نفر برای اصلاح چند هزار علت مختلف اصلی و فرعی صرف شود و در واقع سرمایه همت آنان بیهوده و بیحاصل تلف شود.

اگر جراید ایران ونطقهای وکلای ملت در مجلس ملی مناظرومیزان استنباط عقاید طبقه مدیره یعنی اهل سیاست باشد باید معتقد شد که یک هرج

و سرچ عقاید و اختلاف عجیبی در این مقوله یعنی اصلاحات اتم و الزم اولیّه موجود است که از سیاهی گرفته ناسفیدی با هم فرق دارند. یک ناطق در اصلاح اخلاق موعظه میکند و اصلاح ادارات دولتی را مطالبه مینماید، یک روزنامه بیرون کردن همه مستشاران فرنگی را از ادارات ایران و توبه نوح از استخدام مستشاران خارجی را بشدت تمام نصیحت میکند، یک انقلابی هم در راه اجرای طرفه و مسلک اشتراکیتون در ایران کوشیده و فصدی را که بواسطه آن خون همه اشراف و مالداران ایران روان شود علاج آخری درد ایران میداند. این دور افتادگان نیز که فقط پیامی بهموطنان خود میتوانند بفرستند و زبان در کام کشیده و قلم بیفرض و بی آزاری در دست دارند نیز بیفایده میدانند که خلاصه عقاید خود را در این مسئله مهم ملی که شاید از عصر ما تا دو پشت دیگر سرنوشت ایران بدان بسته است یعنی سر رشته اصلاحات اساسی و مبدأ نهضت تمدن است بیان کرده و با کمال فروتنی بادکاری از خیالات خود در تاریخ پیشنهادهای راجع بر راه نجات بگذارند.

واجبات اولیه

این اظهار عقاید در چنین زمینه مهم بزرگ اساسی خالی از هر ادعائی است و باید صریح بگوئیم که ما لبتاً دعوی این نداریم که خیالات ما در این باب عمیق تر از خیالات سیاستون و وکلای محترم و نویسندگان ایران است لکن دور از هر گونه خود پسندی فقط بفرض قابلیت جلب توجه عده ای از ارباب بصیرت این چند نکته ذیل را پیش نظر اولو الالباب گذاشته میشود:

ما سه چهار فقره اصلاحات اساسی و فوری لازم داریم
اصول مفایده سیاسی
که بمقیده ما سر رشته اصلاحات است و اولین حلقه سلسله ترقی و بواسطه این اصلاحات مملکت مجاده تمدن و ترقی میافتد و بعد دیگر راه خود را میرود. ولی این اصلاحات در کثیت و کیفیت اهمیت آنها خیلی مختلف است یعنی بعضی اهمیت فوری دارند و بعضی اهمیت اساسی. این فقره را بیک مثل توضیح کنیم:
فرض کنیم ما خانه ای داریم شکسته و پاشیده و در شرف انهدام و بقدری پوسیده و پابیه اش ویران شده که عنقریب اگر چاره عاجلی نکنیم بر سر اولاد و عیالمان میریزد و باید برای اینکه منزلی صحیح و خانمانی پایدار برای خود تهیه کنیم هر چه زودتر با اساس صحیح و شالوده محکمی، با مصالح خیلی محکم و بی عیب، با طرح و اداره معماران لایق بنای استواری گذاشته و خانه نوی برای خود بسازیم ولی چون فعلاً مقدار کافی مصالح خوب اعلا و متین از سنگهای سخت و سمنت و ساروج و ستونهای آهنی و آجرهای فرنگی در این قریه که منزل داریم بدست نیاید و سرمایه کافی هم برای برافراشتن بنای جدیدی موجود نیست و اگر همه هم موجود

بود وقت برای انتظار تمام شدن بنای تازه نداریم و زمستان نزدیک است و باید بهر نحو است در عرض چند روز یا چند هفته بنای قابل نشیمنی تهیه کرد لهذا باید چند نفر معمار قابل و دارای علوم عالیّه فنّ بناء عاجلاً خبر کرد که این بنا را فوراً تعمیر و تجدید کنند و بواسطه زدن ستونها و اصلاح پایه ها و تعمیر قطعه های پاشیده و سست با کمی آهک و آجر که بدان دسترس باشد و با سرمایه قلیلی که مقدور است و مصالح کمی که از اجزای خود این بنای خراب بدست آید همین خانه را باستحکامی که میسر است بطرز جدید ساخته و پرداخته و سر و صورت نوی بدان بدهند که بشود باز دو سه سال دیگری بیک نحوی در آن گذرانند که بیم انهدام نباشد ولی البته این بنای کهنه با همین مصالح سست قدیمی هر قدر هم دست مهارت معماران زیر دست در آن تصرفات بکنند باز عمارت پایداری برای این دودمان نخواهد شد و باز بر از حشرات الأرض بوده سبک قدیمی و مخالف سلیقه و ذوق آن در نظر اشخاصیکه بناهای جدید عالی و مزین را دیده اند جلوه نخواهد کرد و عاقبت چون مصالح تازه و محکم ندارد انهدامش دیر یا زود مسلم است و چنانکه گفته شد باید فوراً در همان حین که بتعمیر بنای کهنه دست میزیم ساختن عمارت نو نیز بپردازیم.

بالآخره امروز بدبختانه یک بارندگی شدید ما را گرفته و حالا در این ساعت که خانه کهنه ما در زیر باد و باران شدید رو باهدام است و بقول خودمان اطاقها از هر طرف «چکه» میکند و ما با بچه های صغیر و ضعیف مجبوراً در زیر آسمان مانده ایم و رعد و برق و باران و تگرگ مجال جمع حواش ما نمیدهد تا بعجله بی مهار و بنا حتی برای وصله و پینه و تعمیر موقتی خانه کذائی بدویم اولین چیزی که لازم فوری و فونی است تدارک عاجل یک آلاچیق قلندری است که زیر آن نفسی بکشیم و با این شکم گرسنه مشرف بهلاک لقمه ای برای سد جوع بخوریم و آنوقت بی مهار بدویم و خانه را در چند روزی اندک تعمیری بکنیم و در آن بنشینیم و شروع کنیم بلافاصله بتدارک مصالح صحیح و عالی و سرمایه کافی و معماران دلسوزتر و جافشانتر که در بهار آینده یک بنای پایداری برای خود و اولاد خود بی بیفکنیم که از باد و باران بر آن گرندی نتواند رسید.

حالا وقتیکه در حکمت این مثل تأمل نمائیم می بینیم که هر سه کار یعنی تدارک آلاچیق برای پناه فوری از باران و تگرگ و بسر بردن دو سه روز در آن در وسط ده خراب و پس از آن تعمیر خانه برای زندگی موقتی چند ماهه یا چند ساله و بعد برافراشتن بنای عالی و متین نوی پایدار و ابدی برای زندگی دائمی خود و اخلاف خود هر سه اهمیت درجه اعلا دارد ولی با این فرق که از حیث اهمیت اساسی مهم ترین و عالیترین و واجب ترین کارها و اصل اصلاح حقیقی همانا بنای خانه پایداری با مصالح نو است و پس از آن تعمیر خانه کهنه بدست معمار ماهر و بالآخره تدارک آلاچیق که میتوان گفت اهمیتش اساسی نیست و فقط مقدمه

هراس از قال و قیل « خود بسند ان ملی » و طعن و سرزنش جاهلان کوته بین میگوئیم که بدبختانه در ایران و ایرانی معماران قابل و استادان ماهری که ماشین اداره امور مملکتی و دستگاه دولتی را تعمیر و اصلاح کرده و منظم کنند و ایرانرا تعمیر و تا اندازه‌ای که با مصالح حالیه میسر است آباد کرده و چرخ آبراه بیندازند فعلاً وجود ندارد و یا نادر است و باید هرگونه تلخی یا ناگواری را بر خود هموار کرده (اگر اصلاً در نظر بعضی ناگواری باشد) و از بعضی مضراتی هم که بعضی در این کار تصور میکنند انعامش نموده و بدون فوت وقت استادان قابل بیگانه بهر نوع تواضع و تملق هم باشد برای تعمیر بنای مملکت و چرخهای دستگاه دولت آورد یعنی فقط و فقط چاره مسامحه ناپذیر اصلاح اساسی فوری تری که از اوجب واجبات بوده و تکلیف وجدانی و ضروری دین سیاست و مملکتداری برای هر وطن دوستی است:

استخدام فوری مستشاران فرنگی

است برای اصلاح ادارات دولتی و ملتی

ایران و دادن اختیارات کافی و قدرت لازم

بآنها و حمایت جدی از ایشان است و بس.

ملت ایران باید بیقین بداند که اصلاحات و نظم و تمدن در ایران یا بدست فرنگیهای مستخدم ایران با اختیار اجرا خواهد شد و یا بدست فرنگیهای حکمران در ایران با جبار. شق ثالث یعنی اصلاح یک ایران مستقل کامل بدست خود ایرانیها اگر چه در صورت امکان احسن شقوق بود با مایه حالیته علم و اخلاق باین زودبها محال عقل است.

این فقره بمثابة تعمیر بنای کهنه برای نشیمن موقتی در مثل فوق است.

۳ - مارا عقیده بر آنست که اصلاحات مستشاران فرنگی در ادارات و کامیابی آنها بابر از اولین آثار نظم و تمدن نیز زمانی لازم دارد که افلاک دو سه سال طول دارد. چون بواسطه نبودن نظم در دستگاه دولت اساس حکومت همیشه متزلزل است و ایران دائماً عرضة طوفانها و خطرات و حوادث فوق العاده است و بهمین جهت ثبات و دوامی در کارها و قوامی در سیاست مملکت نیست و دیده میشود که هیچ شش ماهی در ایران اوضاع بحال طبیعی نمیکند و بدن انقلابات و تغییرات عظیمه و غیر مترقبه نیست و مخصوصاً امنیت ولایات بی اندازه متزلزل و اغلب مفقود است لهذا تا در مرکز مملکت نابت و محکمی پیدا نشود و در ولایات امنیت مختصری شبیه بحال طبیعی ولو بسبک قدیم عهد ناصر الدین شاهی بوجود نیاید امیدی باستحکام مقام مستشاران خارجه و قوام گرفتن کار آنها نیست و همه مساعی در این راه نقش بر آب است چه مادامیکه مرکز مملکت و مقر ادارات مرکزی

کار اساسی است ولی از حیث اهمیت فوری تدارک چادر درجه اول را دارد و پس از آن تعمیر خانه و بعد بنای جدید اگر چه بینای تازه هم بهمان عجله تدارک چادر قلندری باید کوشید ورنه همیشه باهمال میگردد و برای « اوقات فراغت خاطر » مباد تا خانه کهنه بکلی ویران شود و باز زمستان دررسد و آنوقت دیگر فرصتی هم برای بنای جدید نخواهد بود و همه از سرما و برف و باران تلف خواهیم شد.

اینک درسطور ذیل میخوایم مسائل سیاسی و ملی مملکت خود را مطابق مثل فوق تشریح کنیم:

۱ - مارا عقیده بر این است که بنای ایران از پایداری بست ویران است و بواسطه بی علمی و انحلال قوای بدنی و علیلی مردم و فساد فوق العاده اخلاق عمومی این عمارت بکلی در حال تلاشی و انهدام است. از تکفیر « وطن چی » های ملتباز و مغرور بجهل و اومه نکرده باواز بلند میگوئیم و حاضریم بهزار ایمان مغلظه تا کید کنیم و بعد دلیل اثبات نمائیم که ایران فعلاً بدبختانه مصالح موجود و کافی برای بنای جدید محکمی ندارد و چیزی که برای افزایش یک بنای پایداری که در قرون آینده اسم « ایران » را بتوان بر طاق ایوان آن (نه کتیبه خرابه اش) نوشت لازم قطعی و ضروری اساسی و بیگانه است:

تعلیم عمومی ملت، عمومیت فوق العاده

ورزشهای بدنی است و پس از آن حفظ وحدت ملی

و جنگ آنتین بر ضد امراض بدنی و آفات اجتماعی مانند تریاک و الکل و کوفت.

این فقره بمنزله بنای خانه جدید پایدار و با پایه استوار در مثل فوق است.

۲ - مارا عقیده بر آنست که بینای این عمارت نو و تدارک مصالح لازم و کافی برای ساختن آن باید فوراً و بدون هیچ معطلی شروع کرد یعنی بوسیله تعلیم عمومی مصالح متین و مواد صالح برای اجزای آن بنا باید تدارک شود و بواسطه دار الفنون صحیح و فرستادن محصلین بخارجه معماران بومی دلسوزتری برای ترکیب دادن اجزا و کشیدن نقشه و طرح ساختن بنا آماده کرده شود و لی در همانحال تعمیر فوری این بنای کهنه بدست معماران ماهر و لو با اجرت مادی و معنوی گزاف هم باشد نیز لازم فوری است چه تا حاضر شدن مصالح نو و بار آمدن معماران تازه جمعی بی مسکن را در مقابل تند باد حوادث و جانورهای درنده دنیا پناه گاهی لازم است و بعبارة آخری تا ساخته شدن کشتی نجات حقیقی و رسیدن بساحل سلامت و خلاص قطعی از گرداب فنا باید برای نگاه داشتن کشتی کهنه و خراب و یوسیده ما روی امواج و در مقابل طوفان فکری کرد و برای این کار معماران و یا کشتی سازان ماهر و با تجربه لازم است که فوری دعوت شوند. اعتقاد ما این است و بدون بیم و

ممکن شود تا سکون و فراغت بالی پیدا شده و هوا برای نقشه‌های اساسی اقدامات ملی صاف شود.

این فقره آخری در حکم آلاچیق موقتی مثل فوق الذکر است. برای اینفقره لازم است از نواقص و معایب هیئت وزرا اغماض کرده و با آنها مدارا و بلکه آنها را در تربید قدرت و نفوذشان در مملکت و ایجاد امنیت تقویت کامل کرد و باید درست جان مطلب را فهمید و دانست که در نظر صاحب نظرانی که خوبی و بدی حال مرض اجتماعی را بیکساعت ملول شدن یا خندیدن وی نمیدانند بلکه اینها را حوادث گذرنده دانسته و در پی علاج اساسی هستند یعنی اصلاحات اساسی و اصلی را طالبند فرق زیادی میان اشخاص ایران نیست یعنی وزارت هر کدام از آنها از لحاظ فواید مملکتی و ترقی ملک و ملت با دیگری خیل کم فرق دارد و هیچ وزیر خوش نیت و عالم و وطن پرستی نمیتواند بدون کمک مستشاران فرنگی قوانین موضوعه مجلس ملی را که فعلاً حرف خالی و بیجان بوده و قلمرو اجرای آنها از دروازه دوشان تپه تاشهرنو طهران است جانی داده و در هم و زمامشیر و سلدوز و ارومی و بندر لنگه و جانش و کنبند قابوس جاری کند. تا در مرکز مملکت ماشینی مثل ماشینهای محرک (۱) ادارات مرکزی ممالک فرنگ نباشد و چرخهای شعب ادارات را در ولایات نگرداند محالست که قوانین مجلس شورای ملی از قوانین بلدیة طهران فرقی در وسعت شمول و نفوذ حکم داشته باشند و خود مجلس ملی بمثابة المحمّن بلدی طهران نباشد و بامورات جاریه و روزانه شهر پایتخت مشغول و سرگرم نشود. وقتیکه در طهران یک فصل قانون شدید استعمال مسکرات و افیون را در «مالک محروسه ایران» غدغن کرده بود و بسفرای خارجه در مهانی شربت آب لیمو میدادند در مراغه بر شیوع تریاک خوری و افورکنشی میافزود و در شیراز مشروبات بیشتر از سابق سبیل میشد. چرا؟ برای اینکه مادامیکه حال ادارات اجرائی ایران بشکل کمرگخانه‌های ایران در عهد میزان آقاسی‌ها و اجاره دارهای سی سال قبل و بستخانهای عهد چابارباشی‌ها و ضرابخانهای عهد امین دارالضرب‌ها است و مثل این سه اداره بدست استادان قابل اروپائی اصلاح نیافته و چرخهای کهنه، ماشین‌های طرز جدید تبدیل نشده محال است که لفظ توخالی قوانین مجلس دارالشورای کبرای ملی ایران و قبول خود طهرانیه «پارلمان» مانند احکام نهی مایه اولیای دولت از دروازه طهران فراتر حکمروا باشند و در شهر طهران هم اگر نظمیة سوئدی نبود داشهای چاله میدان و سنگلج آن ترجمه‌های قوانین فرانسوی را مسخره کرده و وقتی بر آنها می‌گذاشتند.

(۱) moteur

دولت در موج و جوش است و حالت حصه و بحران را میکنداند و هر روز ممکن است اتفاقات فوق العاده بیفتند و ترتیبات تازه و تغییرات اساسی پیش بیاید هیچ نوع سکونی در حوائی مملکت و ولایات پیدانمیشود و مادامیکه مجلس ملی که بمنزله قلب یا دماغ مملکت است و باستی مثل اقیانوس ساکن متین و آرام و عاقل بوده و بقول عامه ظرفیت داشته باشد و با معقولیت و تأمل و حزم و عقل و تدبیر در امور جاریه قدم بر دارد و بیشتر در فکر امور اساسی باشد بالعکس دایم در اضطراب و غلیان بوده و در نزاعهای مسلکی و شخصی یا سیاسی غوطه ور گشته بمحاذات روزانه پایتخت بر افروخته شده بر خیزد و فرو نشیند و مادامیکه وضع بیدوایی دستگاه مرکزی و هیئت وزراء مانند عهد اواخر ساسانیان از خلج خسرو بروز تا جلوس یزدگرد آخری در انقلاب متوالی بوده و مسند وزارت حالتی مثل تخت سلطنت آن دوره باشد و همانطور که در آترمان محض همین تبدلات بی در پی و بی ثباتی اوضاع یک مشت عرب حجاز سلطنت کهن سال ایرانرا بر انداختند حالا نیز محض همین بیدوایی مسخره آمیز اوضاع مرکزی که «کابینه بازی» جای شاه بازی را گرفته سیمتقوی کرد و شاهسون اردبیل بدولت ایران باغی شده و بمخیال خروج از ربه اطاعت ایران میافکنند و بالأخره مادامیکه هر کسی یک فهرست هیئت وزرائی مطابق میل خود در جیب دارد و هر هیئت وزرائی بهر تکالی از خارجه یا داخله یا افراد ناراضی سرنگون میشود محالست که مجال شروع باصلاحات که اهم آنها استخدام مستشاران خارجی است پیداشده و این مهم صورت گیرد یا اصلاً بکاری شروع شود.

مادامیکه امنیت در ولایات مفقود است و نه مالیات عاید میشود و نه تجارت و زراعت امنی در کار است، مادامیکه ولایات از طول مدت ناامنی از مرکز مملکت مأیوس میشوند و بسوداهای خام ملال انگیز میافکنند و مادامیکه گرفتاری اولیای دولت مرکزی بدفاع از حملات داخلی اشخاص متفرقه و سیاست چپی‌ها و ابرادات و کلا و روزنامه نویسان و علما و سلسله جنبانهای امور سیاست پایتخت و سرگرمی آنها باسترضای خاطر عمرو زید و جلب قلوب آنها محالی برای عطف نظر بحال ولایات ایران و امنیت شاهراها نمیدهد. برای هیچ اقدام صحیحی موقع نخواهد شد و تا یک هیئت بفکر اقدام بااستخدام استادان فن ماشین دولت از خارجه بیفتند یکدسته دیگر سرکار خواهند آمد و هكذا حال همان دسته.

پس مارا عقیده بر آنست که اولین قدم اصلاحات فوری و مقدمه عمده اصلاحات اساسی بلاشک منحصراً است در:

تقویت دولت مرکزی و فراهم آوردن اسباب دوام و استحکام آن و ایجاد امنیت محکم ولو موقتی در مملکت بهر ترتیبی که

همان تکلیف برجاست بعلوه لزوم استرضای خاطر سیصد هزار نفر چیزی کم
سیاستون طهران .

عامل دوم بی ثباتی حکومت مرکزی عقاید تند آزادی طلبان است .
قسمتی از وطن پرستان که پیشرس باغ تمدن ایران هستند باین ترتیب حالت
ایران را ضعیف میسند و حتی بهترین وزیران تربیت شده را کهنه پرست و مستبد
شمرده . بهترین حاکم عالم را دشمن بجدد فرض کرده و بدون آنکه در مایه
موجودی مملکت و سرمایه علم و تربیت تأملی کرده و ملتفت شوند خاک
سبزوار بهتر از این نه عمر و نه علی نیرساند و بدون آنکه دسته دیگر بهترین
بجای دسته حالیه بگذارند یکی از نواقص و ایرادات متعددی را که همیشه
هزارها موجود و مشهود است و ببیند . کردن آنها اشکالی ندارد عنوان کرده
بهر کسی که در سرکار است هجوم میکنند و از برای نمی نشینند تا او را
بر میاندازند و چون بر سر کار آمدن اشخاص دلخواه ایشان با اساس
حالیته از محلات است بکنسته یا شخص بدر از اولی بجای معزولین میآید
و باز جنگ شروع میشود . عقاید این طبقه از ناراضی ها بلاشک بی
اساس نیست یعنی هیچکسی که از ترقیات ممالک و ملل دیگر مطلع باشد
نمیتواند از اوضاع نیم و خشنی مملکت خود راضی شده و یا در مقابل این
هرج و مرج از فریاد خود داری کند لکن حرف در آنجاست که یک
عده اشخاص بی اسباب و بی پول و بی چرخ کار در یک مملکتی که آبادیهای
آن از همدیگر بیست و سی روز راه مسافت دارد و قشون منظم ندارد فقط
باسم خالی وزارت یا حکومت کار بزرگی در ترقی مملکت نمیتوانند بکنند
و اعجاز احیای فوری ایران را نخواهند داشت . حدت غیظی که از مشاهده
معایب مملکت پیدا میشود و شوری که از عشق باصلاح آن بوجود
میآید بهتر از همه بصرف سعی در اصلاحات اساسی و تربیت ملت و بیداری
عالمه و نشر علم تواند رسید نه بلند کردن و انداختن وزراء و حکام و نمایش
بازی گریه بایشم .

رفع این دو سبب همت خالص میخواهد و اتفاقات خود مردم باین نکات ورنه
تا ادارات ایران بدست مستشارهای عالم خارجی اصلاح نشده اولیای دولت
جز نصیحت و التماس برای ترکیب یک هیئتی برای پشتیبانی خود و تلگراف
حضوری برای امنیت ولایات چاره ندارند . مادامیکه کارهای تجاری و
صنعتی در مملکت زیاد نشده و عامه مردم مشغول کار نباشند بیکاری
طبعاً تولید قیل و قال میکنند و از منبرها گرفته تا معرکه ها صحبت سیاسی
و امورات بین المللی گرم میشود و مردم بیکار خود را با روابط خارجی
ایران مشغول میدارند و هر دسته با یک سفارتی از سفارهای خارجه
ارتباط پیدا میکند . اگر بلدیته منظمی در طهران بدست یک مستشار
فرنگی ایجاد میشد ممکن بود چندین صد نفر از سیاستون بیکار طهران را
در آنجا تربیت کرده و برای تأسیس بلدیته صحیح بولایات کج و جزه
فرستاد تا مواجب آنها بر خزانه مملکت تحمیل نشده از صندوق بلدیته
شهرها پرداخته میشد ولی بشرط آنکه آتوقت مواجب خورهای تازه در
طهران از یکطرف ایجاد نشوند .

ایجاد امنیت مختصری در مملکت و استحکام نفوذ دولت مرکزی و
قدرت قاهره آن در اقطار ایران اولین فرضه فوری و فوئی پیشروان
ملت و اولیای دولت است لکن چاره عملی این کار چیست ؟
هیچ هیئت وزرانی نمیتواند در حالت حالیه بیقراری اوضاع و تزلزل
دائمی مرکز ثقل سیاسی و نبودن پایه ای از هیئت ائتلافی اهل نفوذ سالی دوام
کند و این بی ثباتی بیشتر نتیجه دو چیز است یکی کثرت عده بانفوذها است
که احترام ایشان و مدارای با آنها برای رؤسای دولت جهت بقای در منصب
لازم است . و مخصوصاً صعوبت فوق العاده راضی کردن همه آنها و انجام تمام
توقعات خود و بستگان ده هزار نفر آخوند و وکیل و نویسنده و سردسته
بازار و سیاستون بی عنوان است که حل این طلسم را برای هر وزیری
و خصوصاً آنکه قدری فواید مملکت را نیز در نظر بگیرد قریب بحال
کرده . اغلب این ارباب نفوذ از هر قبیل که عامداران « افکار عامه »
و داریای مسند یا منبر یا کلید بازار یا نطق یا قلم و یا پاتوقدار دسته عزا
هستند هزار جور توقعات دارند و در مملکت ایران نه در ادارات دولتی
بقدر عده آنها مناسب لایق مقام محترمین و نه در خزانه پول کافی برای
سیر کردن آنان موجود است و اگر وزرای این عهد مانند صدراعظم های
بیست سال قبل حاضر باشند که با فروش امتیازات و حقوق مملکت از
دول خارجه پول بگیرند و با آنها تقسیم کنند فوراً « افکار عامه » برضد
وزیر مزبور بجنبش آمده و اسباب عزل او با یک رأی عدم اعتماد یا فرمان
عالی فراهم میآید و بقول « سیاست چی » های طهران « کابینه میافتد » .
در این طوفان دسایس که وزیر بیچاره از هر طرف معروض حملات
ناراضیان است اصول مقننه از وسایل مبذوله تحریکات و اسباب چینی
است . دربار توقعات تحتل ناپذیر زیادی از وزیر دارد و اگر یکی از
آنها مقاومت و چون و چرا کرد فوراً درباریان ترجمان احساسات ملی
شده و بوزیر حمله میکنند که چرا برضد بالشویکی ها است و تندروان ملت
هم از احساسات رنجور دوستی مقامات عالییه بوجود آمده عزل این وزیر
خائن را از پیشگاه اعلی میخواهند و او نیز برطبق میل ملت و محض
تقاضای رعایای باوفا معزول میشود . علما ده هزار توقعات دارند و بیانی
توصیه ها در خصوص دادن اوقاف بروجرد بملاذ الانام زاده و نظیر آن
سر وزیر میریزند و اگر یکی را قبول نکرد فردا مقام ریاست روحانی درباب
شدت انقیاد وزیر بیک سفارت خارجه از دول کفر و باغفلت در منع
مسکرات شکایت کرده و صدایش بلند میشود . صراف بازاری هم برانهای
تومانی سه قران خریده خود را میخواهد از وزیر بدبخت تومانی یک تومان
وصول بکند و اگر مقصودش حاصل نشود فوراً فریاد او بلند خواهد شد
که چرا وزیر مزبور جواب نطق لورد کرو را در مجلس ملی انگلیس که
قدری از ایران شکایت کرده زودتر نداده و هکذا . از این حیث کار وزیر
ایران در این زمان سخت تر از چهل سال پیش است چه در آزمان باینست
توقعات دربار و درباریانرا انجام دهد و آنها را از خود راضی نگاه دارد و حالا

مقصود ما دلالت موطنان خودمان است بشاهراه تمدن (بقدریکه عقل ما میرسد و رفع نواقص مهمی که مانع کسب این نعمت است و این قمره بجز از راه بر داشتن یرد از آن نواقص چگونه میسر تواند شد؟

بواسطه یک سبب غامض و مجهول غور در اوضاع
سیاست بین المللی در ایران رواج مفرط گرفته است.
اگر کسی از دور آثار و ظهورات کوشش سیاسی و مجاهدات
سیاستیون ایران را تدقیق و تتبع کند و صحبت‌های
مجالس و نطق‌های محافل و موضوع اجتماعات و مایه انقلابات و مقالات جرائد
و خطابه‌های وکلاء و بالأخره منشأ تغییرات سیاسی و عزل و نصب وزراء
و عمال و هرگونه قیل و قال‌های دیگر را بسنجد ملاحظه خواهد کرد که
از تاریخ استرداد مشروطیت در سنه ۱۳۲۷ باین طرف در صدی
هشتاد این مجاهدات سیاسی و مبارزات و منازعات راجع بآن و ولوله‌های
دائمی سر سیاست خارجی است و سیاستیون بزرگ و کوچک ایران همه
صحبتشان از سیاست روس و انگلیس نسبت بایران، روابط باعظمی،
اقدامات ایران در اروپا، اقدامات سفرای ایران در خارجه و یادداشتها
و مراسلات سفرای خارجه در طهران بوزارت خارجه ایران است. سر
این حالت روحی اجتماعی چیست نمیدانیم ولی میتوانیم بگوئیم که
از رو بهمرفته این اوضاع چنان استنباط توان نمود که اکثر مردم
ایران از طبقه مدیره و صاحبان رأی و دخالت در امور عامه معتقد بر
این هستند که حفظ و حراست مملکت از خطرات ممکنه از راه مراقبت
بسیاست خارجی مملکت است و نجات و حتی ترقی آن در موافق بودن اوضاع
بین المللی است نسبت بایران و گمان میکنند که تمام بدبختی‌های مملکت ما
و انحطاط و خرابی آن از سختگیرها و زورگوییهای دول خارجه
است و اگر این مانع در بین نبود ایران بسرعت برقی بیایه ممالک متمتدنه
میرسید یعنی از دو عامل اساسی هر کاری که خواستن و توانستن باشد
اولی کاملاً موجود است و مانع دومی هم فقط فشار دول خارجه است
و اگر آنها هم رفع شود دیگر مقتضی موجود و مانع مفقود و راه صاف
است. اینست که خیالات عقلا و پیشروان مادراین مدت بعد از
انقلاب از کثرت اشتغال بتفحص وسائل نجات ایران در عهد بستن
بازایون، تلگرافات بممالک اروپا، اتحاد اسلام، اتحاد مشرقی، و امید
بستن بانقلاب روسیه و شورش هند و جنبش مصر و نهضت سیاسی ایرلاند
فرصت ساعتی توجه باصلاح راه آب طهران و دفع کثافات منشأ
امراض آن نیافته‌اند. خوبی و بدی هر هیئت وزرائی هم در نظر
سیاستیون ایران بنسبت تمایلات او است در سیاست خارجی نه بحسب
اصلاحات داخلی او، چشم سیاست پیشگان طهران در سفارنهای خارجه
و حرکات و سکنات آنها است، در مدح و قدح هر کدام از رجال
دولت تمایل اویبکی از دول خارجه اولین عنوان است.
بنظر ما افراط در این زمینه یکی از خطاهای بزرگ و فاحشی
در سیر ترقی ایران است سیاست خارجی یک مملکت عاده یک

برگردیم بسر موضوع اصلی: مجلس ملی و دربار و پیشروان ملت
و سیاستیون و ارباب نفوذ طهران و ولایات و علما و اهل بازار — اگر
ترقی ایران و قوت مملکت خود را میخواهند — باید پیشت پیشت داده سعی
کنند یک حکومت مرکزی ثابت و پایداری پیدا شود و بقدر مقدور
کلیه حکومتها و مناصب محکم و پایداری باشد آنگاه بدون فوت وقت
مستشاران خارجی برای اداره دوایر دولتی آورده و با تمام قوا از آنها
نگاهداری کرده و پشتیبانی نمایند و اختیارات کافی و قدرت لازم بدهند
و در همان وقت که مشغول این کارها هستند با نهایت جد و غایت سعی
در نشر تعلیم و بسط علم و معرفت در میان عامه مردم ایران (نه طهران
تنها) خود کنشی کنند تا مگر ایران براه تمدن بیفتد و آب رفته بجوی
باز آید ورنه سایر مساعی نتیجه نمیدهد و گفتگوهای سیاسی، تشکیل
احزاب، اتحاد اسلام، انقلاب سیاسی، تجدید بازی، شیوع مسلک بالشویکی
و منشویکی، دفور جراید، اشعار وطن پرستانه، هیجان افکار عامه،
و نمایشهای ملی فابدهای برای نجات و تمدن ایران ندارد و باید از همه نواقص
موجوده و اصلاحات لازمه مبدأ و سر رشته را بدست آورد و کار کرد.

مصلحت دیدن آنست که باران همه کار

بگذارند و سر رشته کاری گیرند

نکات و ملاحظیات

بعضی نکات انتقادی که ما در تحت عنوان فوق در هر شماره درج میکنیم واردات
حاضر است که در مقام تأمل در اوضاع مملکت ایران و نواقص اساسی آن از این مسافت
دور در نظر جلوه میکند و یکمان ما اظهار آنها قدمی است که در راه اصلاح برداشته
میشود و لهذا خدمتی است بمقصود وطن دوستان. محض دفع هر نوع کج فهمی و رد سوء
تأویلهای یک گله کافی است بگوئیم اولاً اثبات نواقص دلیل نفی محضات نمیشود و
مقصود ما بهیچ وجه آن نیست که مملکت ایران که بدبختانه این نواقص را دارد کمالات
و مزایای خوبیهای دیگری ندارد که باعث سر بلندی آن باشد ولی عقیده ما بر آنست
که چون ما خود ایران هستیم مدح مزایا و کمالات ملت خودمان خود ستایی لزومی
است که در حالت حالیه جفتی هم ندارد. مملکت ایران قطعاً خاک خوش آب و هوا
و دارای ثروت طبیعی دست نغزوده است، مردمانش نیز بلاشک با هوش و با استعداد
و نیز فهم هستند و در قوای دماغی از اکثر ملل دیگر عقب نیستند. لکن در قوای
بدن (بواسطه اهمال در ورزشها و شیوع عرق و تریاک و امراض کثیف) فعلاً
بسیار عقب مانده و عاجز از مقاومت در میدان تنازع بقای دنیا هستند و بدتر از آن
در اخلاقی که برای ترقی اجتماعی لازم است فوق العاده نقص دارند. علاوه بر اینها
از نعمت علم هم محرومند و از این سه نقص مهم دو عیب اولی و آخری قابل اصلاح
است و اصلاح عیب دومی که شاید اساس لایذ منه دو اصلاح دیگر باشد بسیار مشکل
و محتاج بپیدا شدن یک عده کانی اشخاص صحیح الجسم و قوی الاراده و صالح
و عالم است که دارای شور و وطن پرستی حقیقی و بیپریا بوده و عمری با تمام قوا در
این راه جهاد کنند و شاید یکی از مؤثرترین عوامل اصلاح اخلاقی شیوع ورزشهای
بدنی باشد.

بازیا ما هیچ وقت نگفته‌ایم چون ایران نواقص مهمه‌ای دارد که در راه ترقی و
تمدن عقب مانده و ممالک مسیحی ترقی کرده‌اند این ممالک نواقصی ندارد و معایب اجتمایی
در آنها مفقود است و لهذا در رد اظهارات ما کافی نیست که گفته شود اروپا هم
معیبی دارد و اگر در ایران مردم تریاک میکشند در فرنگستان هم خیلی از زنها
عفت و عصمت ندارند چه ما که تعصب فرنگستان را نمیکشیم و برای یکفر ایرانی چه
تألی از این حاصل تواند شد که در اسپانی گاوهارا دیوانه کرده و بچنگ میاندازند.